

کوچه کوچه، پس کوچه
 بغل بغل آلوچه،
 ندیده مارو انگار،
 چشمای دنیا لوچه!
 از دل این زمستون،
 بهار شده تابستون.
 به کوچه باغ سایه‌ها
 پس کوچه‌های بی نشون،
 گذرکنیم، بریم بیایم، گل بچینیم، گل بیاریم،
 رخت و لباس گرمو در بیاریم،
 اطو کنیم، تا بکنیم،
 بگذاریمش تو بقچه.
 که گاه دلبری اومد،
 پارچه کؤدری اومد،
 عرق کرده رو سینه‌مون،
 نوروز اومد به خونه‌مون.
 همه رفتن، چه خوبه،
 کسی نموند تو کوچه!
 سودای لپ کلوچه،
 زمان ماچ و موچه!
 زخمی رخت چرک شده،
 زده رگای مچ بیرون،
 هوس نشست رو لب‌هامون،
 پاگرفته آشتی کنون.
 بیا بیا، از کوچه آشتی کنون،
 از هر راهی داره نشون،
 از کوچه بن بست که نه!
 از هرجایی راه هست بیا
 از کوچه حموم بیا، از راه پشت بوم بیا،
 آد کُن منو، کامنت بذار،
 از توی تلگرام بیا!
 اون طور بیا که دیگه،
 نیینه صاحب خونه،
 یه لایک بزن هر جا شد،
 دلی به تیر خسته!
 لبی قرمز با تاتو،
 استیکری با مزه،
 اگه نشد، بذار زود، لب فیس بوک، یه غنچه!
 تو دشت لاله و باغ،
 آوای تارکمونچه!